

## آرزو های برباد رفته

محمد رضا پهلوی

آرزو داشتم در آستانه هزاره سوم، ایران کاملاً نوسازی شده، اقتصادش پررونق، جامعه اش متحول و پیشرو باشد. مردمش از یک سطح آموزش مترقی برخوردار باشند و نظام سیاسی اش حکومت بر قوام مردمی، یعنی بریک دموکراسی واقعی استوار باشد.

آرزو داشتم که نسلهای آینده ملت، با سربلندی و غرور، مقام والایی را که شایسته آنان است، در خانواده بزرگ انسانی بدست آورند و نقش مسئولیت خود را در جهان ایفا کنند.

امیدوار بودم سیاهی های قرون وسطایی را که در پنجاه سال پیش ایران، از آنها میساختند برای همیشه از میهنم دور کنم و حکومت روشنایی و روشن بینی را که چکیده تمدن و فرهنگ ایرانی است برای همیشه پایرجا سازم.

در تمام مدت پادشاهیم، من فقط به خاطر این آرمان بزرگ زیستم و کوشیدم، آرمانی که در شرف تحقق یافتن بود.

برای رسیدن به این آرمان بزرگ، بسی کوشیدم، با دشواریها و موانع بسیار مبارزه کردم و با توطئه ها و تحریکات فراوانی مواجه شدم.

با شرکت های بزرگ و توفانهای خارجی و کارتل های چند ملیتی ستیز کردم. حال آنکه بسیاری از مشاورانم مرا از این مبارزه برحذر میداشتند.

ممکن است من در دوران سلطنتم اشتباهاتی مرتکب شده باشم، اما کوشش من برای عظمت و اعتلای ایران هرگز خطا نبود.